

A Critical Review on the Book *After the Prophet*

Yazdan Farrokhi*

Abstract

The great Prophet of Islam (PBUH) always invited his followers to unity based on Quranic concepts, but the new Umma of the Islamic Foundation, shortly after the death of the Prophet (PBUH), broke away from those teachings, and one of the consequences was the killing of Muslims by each other. The roots of this disconnection have always been considered by researchers and much research has been done in this field. The aim of this article is to critically evaluate the book "*After the Prophet*" in which the author has tried to clarify various aspects of the issue in line with previous research and in a different way. To what extent has the method of advancing and conducting this research been successful in explaining the research problem? It seems that the author, while observing the principles of historical research, has used areas such as psychology, cinema, fiction, anthropology and has studied the historical roots of the current crisis of Muslims in the Middle East, especially in Iraq. The result of the present article, which has been done by descriptive-analytical method, shows that the importance of the book under review is, above all, in the interdisciplinary approach and the author's new way of expressing the research problem, which has created a new effect. However, some views have been raised and the methods of advancing the research need to be reviewed.

Keywords: Islamic History, Prophet, Caliphate, Shia and Sunni, Lesley Hazleton, Critical Review.

* Associate Professor of History, Payame Noor University, Tehran, Iran, y_farrokhi@pnu.ac.ir

Date received: 12-11-2021, Date of acceptance: 03-04-2022



نقد و بررسی کتاب پس از پیامبر (ص)

یزدان فرخی*

چکیده

پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) برپایه مفاهیم قرآنی همواره پیروان خویش را به وحدت دعوت می‌کرد، اما امت تازه‌بنیاد اسلامی، در اندک روزگاری پس از رحلت پیامبر (ص)، برخلاف آن آموزه‌ها، دچار گسستگی شدند و یکی از برایندهای آن کشتار مسلمانان به‌دست یک‌دیگر بود. ریشه‌های این گسستگی همواره مورد توجه پژوهش‌گران بوده و پژوهش‌های فراوانی هم در این زمینه انجام شده است. هدف این نوشتار ارزیابی انتقادی کتاب *پس از پیامبر* است که در آن نویسنده در جهت پژوهش‌های پیشین و با روشی متفاوت تلاش کرده است تا جنبه‌های گوناگون مسئله را روشن کند. روش پیش‌برد و انجام پژوهش یادشده تا چه اندازه‌ای در جهت تبیین مسئله پژوهش موفق بوده است؟ به نظر می‌رسد که نویسنده، ضمن مراجعه به منابع و پژوهش‌های تاریخی، از عرصه‌هایی چون روان‌شناسی، سینما، داستان‌نویسی، روان‌شناسی، و مردم‌شناسی بهره برده و تلاش کرده است تا ریشه‌های تاریخی بحران کنونی مسلمانان خاورمیانه و به‌ویژه عراق را بررسی کند. نتیجه مقاله حاضر، که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است، نشان می‌دهد که اهمیت کتاب موردبررسی بیش از هرچیز در رویکرد بین‌رشته‌ای و شیوه بیان متفاوت نویسنده در مواجهه با مسئله پژوهش است که اثر تازه‌ای را پدید آورده است، هرچند درباره برخی دیدگاه‌ها و روش‌های پیش‌برد پژوهش نیازمند بازنگری است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ اسلام، پیامبر (ص)، خلافت، شیعه و سنی، لولی هیزلتن، نقد و ارزیابی.

* دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، y_farrokhi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴



۱. مقدمه

وحدت، یک‌پارچگی، و برادری از مهم‌ترین مفاهیم قرآنی و آموزه‌های پیامبر بزرگوار اسلام (ص) بود که جامعه عرب جاهلی را از پراکندگی و اختلاف به امت منسجم اسلامی تبدیل کرد و به برپایی مدینه فاضله پیامبر (ص) رهنمون ساخت. باین‌همه، بی‌درنگ پس از رحلت پیامبر (ص) زمینه‌های اختلاف و گسستگی فراهم آمد و برآیند آن این بود که کم‌تر از سه دهه پس از آن سه تن از جانشینان ایشان بر مسند خلافت کشته شدند، سه جنگ داخلی (جمل، صفین، و نهروان) در میان اصحاب پیامبر (ص) و امت او روی داد، و هزاران تن از مسلمانان به دست یک‌دیگر کشته شدند. در این میان، پدیده شگرف افتادن خلافت به دست خاندانی بود که تا آخرین لحظه در برابر پیامبری او ایستادگی کردند و در نهایت تسلیم اسلام شده بودند و در پی آن شهادت و اسارت اندوه‌ناک و مصیبت‌بار نواده او، امام حسین (ع)، و خاندانش به دست گماشتگان خلیفه وقت روی داد. برآیند این روی داد اندوهی بود که سده‌های بعد، در آغاز قرن هشتم هجری قمری، ابن طباطبا، مورخ مسلمان و از تبار اهل بیت (ع)، از آن به نام «مشهورترین مصیبت‌ها» سخن گفته و از یاد آن «لرزه» بر اندامش افتاده و از آن‌چه مسلمانان بر سر نزدیک‌ترین کسان پیامبر (ص) آوردند به شدت بیزار می‌جوید (ابن طقطقی ۱۳۶۷: ۱۵۵-۱۵۶).

اما روی دادها نشان می‌دهد که واقعه یادشده گسستگی‌ها در جهان اسلام را عمیق کرد و زخمی که بر پیکره جامعه مسلمانان گذاشت، بیزاری و اختلاف را در میان آن‌ها افزود. گویا این وضعیت راه خود را به روزگار معاصر نیز گشوده است و به‌ویژه در عراق کنونی، سرزمینی که سرآغاز این رنج‌ها و آسیب‌ها بود، بیش‌تر خود را نمایانده است. بنابر اهمیت و تأثیرگذاری آن روی دادها در تحولات جهان اسلام، شناخت ریشه‌های مسئله و بنیان اختلاف‌ها زمینه بسیار مهمی برای پژوهش به‌شمار می‌رود، هرچند، با توجه به اهمیت این زمینه، جای دارد تا پژوهش‌های بیش‌تری در این زمینه انجام شود.

از پژوهش‌های مهم و پرآوازه در زمینه یادشده کتابی است که ویلفرد مادلونگ با نام *جانشینی محمد منتشر ساخته است*. پژوهش او درباره گسستگی و اختلاف میان مسلمانان، به‌ویژه در زمینه جایگاه خلافت و تعیین حق جانشینی پیامبر (ص) بر پایه باورهای قرآنی، سنت‌های قبیله‌ای عرب، آموزه‌های پیامبر (ص)، نقش صحابه ایشان، و رفتارشناسی امت اسلامی در روزگار پس از رحلت تا شهادت حضرت علی (ع)، از آوازه زیادی برخوردار بوده^۱ و در میان پژوهش‌گران بحث‌ها و پویش‌هایی علمی برانگیخته است.^۲ به‌هرروی،

به تازگی در جهت پژوهش و دستاوردهای مادلونگ و در زمینه مسئله یادشده، کتابی منتشر شده که به جهت رویکرد، شیوه بیان، استدلال، و به کارگیری داده‌های تاریخی اثر متفاوتی پیش چشم نهاده است و از این رو، معرفی و نقد آن ضروری می‌نماید.

۲. معرفی و توصیف اثر

کتاب *پس از پیامبر: داستان اندوه‌بار جدایی شیعه و سنی در اسلام* دراصل برپایه یک رشته گفت‌وگوهایی نوشته شده است که جانانان ربن (Jonathan Raban) با لزلی هیزلتن انجام داده است و چنان‌که آشکارا اشاره می‌کند، ربن در نگارش و تحلیل‌های به‌کاررفته در متن نویسنده را یاری رسانده است (Hazlton 2009: 213). این کتاب نخستین بار در شهریور ۱۳۸۸/۲۰۰۹ در نیویورک در انتشارات «دبل‌دی» (Doubleday) به چاپ رسیده است. کتاب ۲۴۷ صفحه دارد و در اندازه وزیری (۳۲ × ۲۰ × ۱۳.۲)، با وزنی برابر ۲۸۰ گرم، به شکل جلد سخت یا گالینگور، با روکش جلد کاغذی روانه بازار چاپ شده است.

نویسنده کتاب، خانم لزلی هیزلتن (۱۹۴۵/۱۳۲۴)، زاده بریتانیا، ساکن سیاتل آمریکا، و از خانواده‌ای یهودی است. وی روزنامه‌نگاری کهنه‌کار، دانش‌آموخته روان‌شناسی، و صاحب آثاری در زمینه‌های یادشده است و البته در سال‌های اخیر به پژوهش در زمینه تاریخ نیز روی آورده و آثاری هم در این زمینه منتشر کرده است.

وی در حرفه روزنامه‌نگاری پیشینه فراوانی دارد و مقاله‌ها و گزارش‌های او در روزنامه‌ها و نشریات معتبری چون نیویورک تایمز (*New York Times*)، سکویر (*Esquire*)، ونیتی فیر (*Vanity Fair*)، هارپرز (*Harper's*)، نیشن (*Nation*)، نیور ریپابلیک (*New Republic*)، نیویورک ریویو آف بوک (*New York Review of Books*) به چاپ رسیده است. توجه به زنان، دین، مسیحیت، اسلام، خاورمیانه از زمینه‌های علاقه او بوده و سرانجام او را به پژوهش در تاریخ رهنمون ساخته است. کتاب‌هایی که وی طی چند دهه منتشر کرده بدین شرح است: جایی که کوه‌ها به غرش درمی‌آیند (۱۹۸۰)، حق داشتن احساس بد: سازگاری یافتن با افسردگی عادی (۱۹۸۴)، اورشلیم، اورشلیم (۱۹۸۷)، انگلستان، انگلستان خونین: بازگشت یک تجربه (۱۹۹۰)، همه آن‌چه زنان همواره می‌خواهند درباره اتومبیل‌ها بدانند، اما نمی‌دانند از چه کسی بپرسند (۱۹۹۵)، رانندگی به سوی دیترویت: عزیمت پرماجرا با اتومبیل (۱۹۹۸)، زندگی‌نامه گوشت و خونی مادر باکره (۲۰۰۴)، جزیل: داستان ناگفته ملکه

هارلوت در کتاب مقدس (۲۰۰۷)، پس از پیامبر: داستان اندوه‌بار جدایی شیعه و سنی در اسلام (۲۰۰۹)، و نخستین مسلمان: داستان محمد (۲۰۱۳).^۳

سیاهه بالا، از کتاب‌های به‌چاپ‌رسیده هیزلتن، روند ره‌نمون‌شدن ایشان را به حوزه مطالعات تاریخی و به‌طریق اولی مطالعات تاریخ اسلام نشان می‌دهد که چگونه از نویسنده‌ای در حوزه عمومی، طبیعت‌گردی، دغدغه‌های اجتماعی زنان به پژوهش‌گری و تحقیقات تخصصی در تاریخ روی آورده است. وی نخست با نوشتن درباره اورشلیم، سرزمین اجدادی، و سپس انگلستان، زادگاهش، آن‌گاه تاریخ مسیحیت و زندگی مریم مقدس (س) و ملکه هارلوت، و سرانجام از سال ۱۳۸۸/۲۰۰۹ با انتشار کتاب پس از پیامبر (ص) به زمینه مطالعات تاریخ صدر اسلام روی آورده است و اگرچه موضوع اصلی پژوهش‌های خود را صدر اسلام نهاده است، پیوسته از اندیشه‌ها و دغدغه‌های خود از تاریخ معاصر مسلمانان، به‌ویژه خاورمیانه، سخن به‌میان می‌آورد.

چنان‌که از پیشینه بالا ملاحظه می‌شود، نویسنده مورخ و پژوهش‌گری حرفه‌ای در حوزه تاریخ نبوده و آموزش دانشگاهی در این زمینه ندیده است،^۴ اما چنان‌که از فحوای کتاب پس از پیامبر (ص) ملاحظه می‌شود، تلاش کرده تا به‌سان مورخان استدلال‌های خود را به منابع تاریخی و حدیثی تاریخ اسلام مستند کند. هیزلتن اشاره کرده که از محضر بزرگانی چون ویلفرد مادلونگ (Wilferd Madelung) بهره برده است (Hazlton 2009: 213) و همین امر در مضمون و استنادهای کتاب نیز دیده می‌شود. وی، در جایی، کتاب جانشینی محمد^۵ مادلونگ را می‌ستاید. بنابراین، در شیوه و روش می‌توان او را متأثر از مادلونگ، به‌ویژه از کتاب جانشینی محمد (ص)، به‌شمار آورد.

کتاب دربرگیرنده یک صفحه عنوان داخلی، یک صفحه شناس‌نامه، یک صفحه فهرست مطالب، یک صفحه توضیح درباره نوشتار و نویسه‌گردانی واژگان عربی و فارسی، یک نقشه جغرافیایی خاورمیانه در سده نخست هجری، و پیش‌گفتار سه‌صفحه‌ای است که از آغاز تا به این‌جا چهار صفحه سفید گذاشته شده است. متن اصلی کتاب به سه بخش مجزا تقسیم می‌شود: بخش اول با نام «محمد (ص)» دربرگیرنده پنج فصل و ۶۲ صفحه، فصل دوم با نام «علی (ع)» در شش فصل و ۸۸ صفحه؛ بخش سوم با نام «حسین (ع)» چهار فصل و ۵۷ صفحه که یک صفحه آن سفید گذاشته شده است. یک صفحه سپاس‌گزاری، چهار صفحه یادداشت‌ها و توضیح درباره فصل‌ها، دوازده صفحه شرح تفصیلی و فهرست منابع، و سرانجام هشت صفحه نمایه عام، یک صفحه سفید، و یک صفحه توضیح درباره نویسنده

اختصاص یافته است. در این میان، بخش دوم، هم از نظر فصل و هم تعداد صفحه، بزرگ‌ترین بخش این کتاب است.

در این اثر، فصل‌ها نام و عنوان ندارند و بخش‌بندی آن تنها با عدد مشخص شده است. نویسنده در متن از نقل قول مستقیم و غیرمستقیم بهره برده، اما ارجاع نه درون‌متنی و نه در پایین صفحه است، بلکه نویسنده به صورت گزینشی درباره برخی از مطالب خود در قسمت یادداشت‌های پایانی کتاب توضیحاتی آورده و همان‌جا به منبع آن اشاره کرده است. بنابراین، نویسنده شیوه ارجاع‌دهی گزینشی دارد. به‌هرروی، در پایان کتاب فهرستی جداگانه از منابع تاریخی و منابع پژوهشی فراهم آورده است. وی، درباره مهم‌ترین منابع تاریخی خود، توضیحاتی معطوف به پژوهش خویش بیان کرده است و به ارزیابی برخی پژوهش‌ها از جمله کتاب *جان‌شینی محمد (ص)* از مادلونگ اشاره دارد و سرانجام فهرستی عام از آن‌ها را به دست می‌دهد. این فهرست ۷۳ کتاب را در بر دارد.

کتاب طراحی جلد ویژه‌ای دارد که دغدغه اصلی نویسنده و کانون مطالب کتاب به‌شمار می‌رود. آمیزه‌ای از تصویر نقاشی شده از واقعه کربلا از سده سیزدهم قمری/ نوزدهم میلادی در بالای جلد و در پایین جلد عکس تازه‌ای از عزاداری امام حسین (ع) در شهر کربلا در روزگار کنونی و در میانه هر دو، برگ سبزرنگی که عنوان اصلی و فرعی کتاب و نویسنده آن نوشته شده است. پشت جلد، به سخنان تحسین‌آمیز نویسندگان نام‌آور درباره کتاب حاضر اختصاص یافته است که در آن نام ویلفرد مادلونگ، هومن مجد (Hooman Majd)، جاناتان ربن (Jonathan Raban)، آلن ولف (Alan Wolf) دیده می‌شود و همگی در تأیید محتوا و اهمیت شیوه فراهم‌آمدن کتاب لب به ستایش گشوده‌اند. کتاب نقشه‌ای از خاورمیانه در سده نخست اسلامی دارد که به تصریح نویسنده به دست شخصی به نام جفری ال. وارد (Jeffrey L. Ward) طراحی شده است.

از کسانی که به زبان انگلیسی به معرفی و ارزیابی این کتاب پرداخته است باید به پژوهش‌گر آمریکایی متخصص در امور خلیج فارس و عراق، ژوزف ای. کشیشیان (Kéchichian 2010: 320-321)، اشاره کرد. ارزیابی اخیر بسیار اجمالی است و نویسنده، به جای نقد منصفانه، ارزش آن را تنها با اشاره به چند ارجاع گزینشی از متن فرو کاسته و به طور کلی تمامی دستاوردهای آن را در نظر نگرفته است. اریک اورمزبای در ارزیابی کتاب نیز، گذشته از سبک روزنامه‌نگارانه آن، روش منصفانه‌تری در پیش گرفته و به برخی از جنبه‌های مثبت آن اشاره کرده است (Ormsby 2009).

در ایران نیز کتابی که در آن به ترجمه تنها بخش نخست کتاب اهتمام ورزیده، از دیدگاه روایی و حدیثی به اشکال و ایراد برخی سرچشمه‌های اسنادی پژوهش حاضر پرداخته است (فاطمی و میرشمسی ۱۳۹۸). گذشته از ارزش تلاش نقادانه اخیر در بررسی اسناد و روایت‌های گوناگون و ارائه برخی تحلیل‌ها، باید توجه کرد که کتاب *پس از پیامبر*، جدای از بخش‌بندی‌های آن، از پیکره واحد و منسجم برخوردار است و با دیدن تنها بخشی از آن نمی‌توان درباره کتاب داوری کرد. این درحالی است که براینده متن در هم‌دلی تشیع سخن می‌گوید، ناقدان به بهره‌گیری او از منابع اهل سنت ایراد و اشکال کرده‌اند و، با وجود کوشش نقادان در بررسی بخش اول کتاب، همه سخن نویسندگان موردتوجه قرار نگرفته است.^۶

۳. بررسی محتوایی اثر

۱,۳ نقاط قوت کتاب

کتاب حاضر بیش از همه از دو جنبه قابل بررسی است. نخست آن‌که این کتاب پژوهشی مسئله‌محور به‌شمار می‌رود و مسئله‌ای نیز که بدان پرداخته است از مهم‌ترین زمینه‌های پژوهشی در تاریخ اسلام و روزگار کنونی جوامع اسلامی، به‌ویژه در خاورمیانه، محسوب می‌شود. این مسئله‌محوری گسستگی و جدایی امت اسلامی در روزگار پس از رحلت پیامبر (ص) و نیز تداوم این گسستگی طی سده‌های متمادی و تبدیل شدن آن به احساس بیزاری و کشتار یک‌دیگر در جوامع اسلامی تا روزگار کنونی ادامه یافته است. این از هم‌گسستگی درحالی شکل گرفت که پیامبر (ص)، بنیان‌گذار امت اسلامی، و آموزه‌های قرآنی ایشان همواره بر اتحاد و پیوستگی تأکید کرده بود. جامعه فرقه‌شده اسلامی در بیش‌تر دوران پس از رحلت پیامبر (ص) به کشتار یک‌دیگر پرداخت. نقطه عطف این کشتار واقعه کربلاست و گویا پس از آن همواره این کشتار «اندوه‌بار» تداوم یافته، همواره روی داده، و «گرهی ناگشودنی» در میان مسلمانان شده است. بنابراین، پرسش اصلی او این است که چگونه چنین چیزی روی داده است و چرا هم‌چنان روی می‌دهد؟ (Hazlton 2009: 3). پاسخ گفتن به این دو پرسش بنیاد این کتاب را ساخته است.

دیگر آن‌که این کتاب شیوه بیان و روش ویژه‌ای دارد که نویسنده برای پیش‌برد پژوهش خود برگزیده است. وی هم‌چنان‌که، همانند هر پژوهش تاریخی، ترتیب و توالی تاریخی

روی داده‌ها را رعایت کرده و نیز برای هر گزاره تاریخی سندی معتبر پیش کشیده، اما به‌اتکای تخصص در رشته روان‌شناسی و پشتوانه‌ای که در دنیای روزنامه‌نگاری به‌دست آورده است و تحلیل سیاسی و اجتماعی که لازمه چنین حرفه‌ای به‌شمار می‌رود، به بررسی رفتار چهره‌های تأثیرگذار در بزنگاه‌های مهم تاریخ صدر اسلام پرداخته است و درباره ریشه‌های روانی و اجتماعی آن رفتارها و روی داده‌هایی که ایشان پدید آوردند، به خواننده آگاهی‌های فراوانی می‌دهد.

برای نمونه، شیوه تحلیل رفتارهای عایشه، همسر رسول‌الله (ص)، هم از نظر روانی و هم از موضع‌گیری اجتماعی و سیاسی او، به‌لحاظ داده‌های تاریخی تازگی ندارد، اما به‌لحاظ به‌کارگیری و عرضه تحلیل متقاعدکننده درباره رفتارها و موضع‌گیری‌ها بداهت دارد. وی ماجرای «افک» یا اتهام زشت و ناروا به همسر پیامبر (ص) را سرآغاز و نقطه عطفی از زنجیره کنش و واکنش‌های دشمنانه و کینه‌دیرپایی می‌داند که برابند نهایی آن در جنگ جمل نشان داده شد (ibid.: 18-44). به‌هرروی، نویسنده فریفته تأثیر چهره‌ها در تاریخ نمی‌شود و بسترهای اجتماعی و زمینه‌های شکل‌گیری رخدادها را پیش چشم نهاده و نقش شخصیت‌های تأثیرگذار را در بستر آن می‌بیند.

هیژلتن با آمیزش تاریخ و هنر روایت‌گری اثری را پدید آورده است که از یک‌سو، مضمونی علمی و تاریخی دارد و از سوی دیگر، موشکافی از شخصیت‌های داستانی است که یک روان‌شناس به بررسی آن نشسته است؛ فراورده‌ای که پژوهش‌گران حرفه‌ای تاریخ بدان گرایشی ندارند. خواننده خواهد دانست که هرچه در کتاب آمده است پیکره یک اندیشه بوده و پاسخی به چرایی همان پرسش اصلی و آغازین پژوهش اوست.

در روایت او، کشاکش چند رویه و روش متفاوت با بازیگری شخصیت‌های برجسته پیش چشم نهاده می‌شود. در یک سوی، حضرت علی (ع)، اهل بیت، و جریان پشتیبان او نماد پشتیبانان سنت پیامبر (ص) در نگه‌داری از یک‌پارچگی امت اسلامی است و در سوی دیگر، جریان دیده می‌شود که نمادی از حاکمان پیشین مکه در روزگار جاهلیت پشتیبان آن بودند و از چهره‌های برجسته آن معاویه و مروان را می‌توان نام برد. از دیدگاه نویسنده، این جریان همواره نقش به‌سزایی در دسیسه‌چینی، هدایت نیروهای تندرو و افراطی، و بهره‌گیری از باورهای دینی برای استوارساختن جایگاه سیاسی خویش داشت.

روایت هیژلتن نشان‌دادن چرایی و چگونگی پیروزی جریان دوم در عرصه سیاست و به‌تبع آن ناکامی و نامرادی جریان نخست در روی داده‌های صدر اسلام است. کنج‌کاوی و

آگاهی تاریخی گسترده‌ای که نویسنده برای نشان‌دادن ابزارهای در اختیار جریان دوم به‌رهبری معاویه پیش چشم خواننده می‌گذارد به این شکل قابل‌تأمل است. شگردهای دسیسه‌آمیز ایجاد اختلاف، به‌طمع‌انداختن، زهر خوراندن،^۷ و فن سیاست‌ورزی به‌دور از اخلاقیات به‌شیوه‌ای استادانه خواننده را متقاعد می‌کند که چگونه جامعه‌آموخته‌شده اسلامی از روزگار پیامبر (ص) به درجه‌ای می‌رسد که شماری از خاندان او را به‌قتل می‌رسانند و بازماندگان او را تحقیر می‌کنند؛ همان کسانی که از جمله پنج تن آل‌عبا و در نگاه پیامبرشان گرامی بودند. چگونه عایشه، همسر رسول‌الله (ص)، در پایان کار خود می‌بیند که ندانسته نقش پیاده‌نظام لشکر جبهه دیگری را بازی کرده است؟ (ibid.: 172).

نویسنده به‌درستی دو جریان اجتماعی را روشن کرده که از دل روی‌دادهای صدر اسلام، به‌ویژه از روزگار خلافت حضرت علی (ع)، رخ نمایان کرده است. نخست، گروهی که به‌سادگی روش، منش، و جهت‌سیاسی خود را دگرگون ساخت و برضد این و آن بسیج شد و گروهی که اهمیت بیش‌تری از گروه نخست داشت و نقش ویران‌کننده‌ای در تاریخ اسلام ایفا کرد؛ جریان‌های تندروی که به‌ویژه پس از جنگ صفین برآمدند و نخست به‌شکل خوارج پدیدار شدند و در هر دوره و در هر جایی در سرزمین‌های اسلامی با منش و شیوه‌ای که با آموزه‌های پیامبر (ص) هم‌خوانی و سازگاری نداشت، به تکفیر و کشتن مسلمانان دیگر پرداخته‌اند. نویسنده همه این گروه‌های تندرو و ساده‌اندیش از هر فرقه و در هر روزگاری در تاریخ اسلام را به یک چشم می‌بیند و آن‌ها را از نظر اندیشه و روش دارای یک تبار می‌داند؛ خواه خوارج باشند، خواه پیروان «وهابیت»، یا «القاعده» همگی تندروهایی هستند که از کانون اندیشه خردمدار و وحدت‌گرای پیامبر (ص) به‌دورند (ibid.: 142-147) و به‌طریق اولی آلت فعل و بازیچه‌ای هستند که همواره امکان بهره‌برداری از ایشان برای سیاست‌مداران فراهم است. نویسنده آغازگر این رویه را کسانی مانند معاویه می‌داند و سرانجام غرب را برای پشتیبانی و فروختن چنین جریان‌هایی مانند وهابیت یا القاعده موردانتقاد قرار می‌دهد (ibid.: 133).

بنابراین نویسنده، ضمن بیان روی‌دادهای تاریخی و تحلیل آن‌ها، پیوسته به روزگار کنونی، سیاست روز، و فرهنگ معاصر بازمی‌گردد. هم‌چنین، خواننده با بهره‌گیری از دانش‌های گوناگون روز و آگاهی‌های عمومی ابزاری برای فهم و تحلیل روی‌دادهای تاریخی پیدا می‌کند. برای نمونه، برای بیان و تحلیل شیوه روایت‌گری محمد جریر طبری، ضمن توضیح‌های ارزش‌مند در این زمینه، به تشبیه آن با «سبک راشومون»

(Rashomon style) می‌پردازد (ibid.: 19) که شیوه‌ای در فیلم‌سازی و روایت‌گری آکیرا کوروسوا در سینمای ژاپن است.^۸ وی در جایی از تعبیر و تشبیه «رئال جادویی» در داستان *صد سال تنهایی* مارکز بهره می‌جوید (ibid.: 74).

دیگر این‌که، هرچند روش بیان کنایه‌ای روی دادها در پژوهش تاریخی معمول و پسندیده پژوهش‌گران حرفه‌ای تاریخ نیست، اما هیزلتن تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از ادبیات پرآوازه داستانی - سیاسی جورج اورول در داستان *مزرعه حیوانات* از رواج نوعی تبعیض در روزگار پس از پیامبر (ص) سخن بگوید و از تعبیر «همه با هم برابرند، اما برخی برابرترند» بهره می‌گیرد (ibid.: 73; Orwell 1945: 126).

وی در نوشته خود از تعبیرهایی چون «سخن‌رانی واگذاری»^۹ (Hazelton 2009: 123) و «صدای دلهره‌آور نی‌انبان» برای صدای دلهره‌آور زنان در جنگ‌های صدر اسلام (ibid.: 114) استفاده می‌کند و از دانسته‌های عمومی روزگار کنونی بهره می‌گیرد. افزون‌بر این‌ها، برای مخاطبان عام تشبیه‌هایی تاریخی آورده است، چنان‌که شیوه حکم‌رانی، نظم، و امنیت هم‌راه با ترس «عبیدالله بن زیاد» در کوفه را شبیه به «دیکتاتوری موسیلینی» در ایتالیای دهه ۱۹۳۰ (ibid.: 165) و شیوه و روش معاویه در عرصه سیاسی را پیش‌رو و پیش‌کسوت اندیشه‌های نیکولو ماکیاوولی، اندیشمند ایتالیایی (ibid.: 127)، دانسته و آن‌ها را برای یادآوری کردن به خواننده پیش آورده است.

روی هم‌رفته، سبک تاریخ‌نویسی و نگارش نویسنده به سیاقی نزدیک است که در ایران محمدابراهیم باستانی پاریزی پیش‌کسوت و نمونه موفق آن به‌شمار می‌رود. باستانی پاریزی با همین شیوه و قلم جذاب و معرفت‌افزا هواداران بی‌شماری دست‌وپا کرده است و کتاب‌های او از جمله آثار پرفروش حوزه تاریخ به‌شمار می‌روند. در این روش، تاریخ برای فایده‌رساندن به همگان و به‌منظور رفع و حل مشکلات روزگار کنونی به طریقه‌ای خردمندانه است.^{۱۰} درباره کتاب هیزلتن نیز می‌توان چنین پنداشت که اثر در جهت تداعی روی داده‌های تاریخی و فهم جریان‌های تاریخی به‌نفع روزگار کنونی است.^{۱۱}

تعامل و پیوند خردمندانه میان گذشته و حال و نیز سنگینی بار هستی تاریخ، که هم‌چنان در خاورمیانه و به‌ویژه در ایران و عراق درک می‌شود، روشی است که نویسنده در کتاب خود پی‌گیری کرده است. از نمونه‌های آن تحلیلی است که نویسنده از جریان واقعه جان‌گداز کربلا و معناکاوی از آن در دهه ۱۳۵۰ش در ایران از سوی اندیشمندانی چون دکتر علی شریعتی پیش کشیده است. وی نقش و جایگاه شریعتی را در بازآفرینی معنای

تازه‌ای از روی داد کربلا و قیام امام حسین (ع) و کارکرد آن در راه‌بری ایرانیان به رویارویی با حکومت محمدرضاشاه تحلیل می‌کند (ibid.: 181-184). برپایه دیدگاه وی، در ۱۳۵۰ش در ایران معنا و فهمی که از روی داده‌های تاریخ صدر اسلام، به‌ویژه روی داد کربلا، به‌دست داده شده، سرنوشت تاریخی ایرانیان را رقم زده است. افزون‌براین، به‌اقتضای موارد، تحلیل‌های ارزنده و درستی از بازتاب و واکنش ایرانی‌ها به مداخله غرب، به‌ویژه آمریکا، در تاریخ ایران معاصر دارد و با موشکافی به چرایی پدیدآمدن آثار انتقادی مانند غرب‌زدگی جلال آل‌احمد می‌پردازد (ibid.: 209).

به‌بهبانۀ احساس محرومیتی که به‌باور نویسنده شیعیان در روزگار پس از پیامبر (ص) تجربه کردند و پیوند آن با استعمار و غرب‌ستیزی چند دهه پیش در ایران تعریضی هم به دگرگون‌کردن نام اصلی کتاب فرانتس فانون (۱۳۰۴-۱۳۴۰/۱۹۲۵-۱۹۶۱) از رنجوری زمین به محرومین زمین در ترجمه فارسی کرده است (ibid.: 181) و بدین ترتیب نام این اندیشمند فرانسوی‌زبان اهل مارتینیک، که در برابر استعمار و نژادپرستی به‌شهرت رسیده بود، در فحوای این کتاب یاد شده است.^{۱۲}

به‌ویژه تکاپوی نویسنده در بررسی رفتار زنان مؤثر در تاریخ صدر اسلام مانند جعده، أمّ زمل، هند، و حضرت زینب (س) برای پیش‌کشیدن تحلیل‌های روان‌شناختی دارای اهمیت است، چنان‌که وی موقعیت جعده پس از این‌که امام حسن (ع) از قدرت خلافت کنار می‌رود و امید خلیفه‌شدن ایشان نزد جعده از میان می‌رود و تأثیر این موقعیت روانی در تصمیم‌گیری او و پیش‌نهاد معاویه برای زهرخورانیدن به آن امام را به این شیوه تحلیل می‌کند.

روی‌هم‌رفته، به‌جز در چند مورد به‌خصوص (برای نمونه، درباره کُنیۀ ابوتراب که به حضرت علی (ع) نسبت داده شده است) (ibid.: 69)، در بیش‌تر موارد نویسنده از میان اختلاف روایت‌ها و گزارش‌های تاریخی آن روایتی را که خویش درست‌تر می‌دانسته برگزیده است و پیوسته به این اختلاف در روایت‌ها اشاره‌ای نمی‌کند. برای نمونه، در روی داد قصاص ابن‌ملجم، هرچند که منابعی چون *اخبار الطوال* (دینوری ۱۳۷۱: ۲۶۲)، *امامة و سیاست* (ابن‌قتیبه ۱۳۸۰: ۱۸۶)، و نیز منابع متأخر شیعی آن را ذکر کرده‌اند (برای نمونه، بنگرید به محلاتی ۱۳۶۹: ۱۹۸-۲۰۰)، وی از نگاه خود روایت درست‌تر را برگزیده است و، به‌دلیل مشکوک‌بودن روایت دیگر مبنی بر مثله‌کردن ابن‌ملجم، حتی از اشاره به آن هم خودداری کرده است.

نویسنده به تحلیل دیوارکوب‌ها و پوستره‌های چاپ‌شده از حضرت علی (ع) و دیگر معصومین شیعه نیز پرداخته و به تحلیل آن‌ها توجه کرده است. به‌هرروی، ورود به چنین عرصه‌ای نشان از دانش و آگاهی نویسنده درباره اهمیت چنین تصاویری در شناخت باورها و اندیشه‌های دینی روزگار کنونی و پیش از آن دارد. وی ورود تفسیرهای تاریخی و برگزیدن معنا و درک شیعیان معاصر را در طراحی چنین تصاویری به‌درستی درک کرده است و آن را برای شناخت باورهای معاصر ارزیابی می‌کند (Hazelton 2009: 33, 157-158, 190, 199).

۲,۳ نقاط ضعف کتاب

باوجود ارزش پژوهشی، اهمیت شیوه نویسنده، و مسئله موردبررسی آن، می‌توان درباره محتوای اثر پدیدآمده خرده‌گیری‌هایی هم در پیش چشم آورد. هرچند بخشی از خرده‌گیری‌ها و اشکال‌ها به این مربوط است که به موضوع‌ها و زمینه‌های بسیار گسترده‌ای از تاریخ سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، و مانند آن پرداخته است و برهه زمانی میان تاریخ صدر اسلام تا سال‌های را در بر می‌گیرد و بدین روی برخی سهوها دور از ذهن نخواهد بود.

شماری از سهوها به تاریخ روی‌دادها مربوط است. چندی از آن‌ها با تاریخ قمری هم‌خوانی و برابری ندارد. برای نمونه، تاریخ میلادی چهارم مارس با روز عاشورا، که مطمع‌نظر نویسنده است، برابری ندارد (Hazelton 2009: 1). وی جنگ جمل را هفت سال پس از رحلت پیامبر (ص) دانسته (ibid.: 44)، درحالی‌که فاصله میان سال یازده تا ۳۶ق ۲۵ سال می‌شود. تاریخ نوشتن کتاب *روضه الشهداء* کاشفی سده نهم هجری / پانزدهم میلادی است،^{۱۳} درحالی‌که در متن سده دهم میلادی درج شده است (ibid.: 217). تاریخ ضربت خوردن حضرت علی (ع) در جمعه، ۲۶ ژانویه، نیمه رمضان دانسته شده (ibid.: 151)، درحالی‌که این تاریخ برابر با نوزده رمضان است.

هم‌چنین، درباره تاریخ رحلت پیامبر (ص) به‌قطع به تاریخی استناد شده است که اعتبار چندان‌ی ندارد. این تاریخ هشتم ژانویه ۶۳۲ است (ibid.: 55) که با دوشنبه، دوازدهم ربیع‌الاول، برابر است. این تاریخ گویا از تاریخ طبری گرفته شده (طبری ۱۳۷۴: ج ۴، ۱۳۲۷؛ طبری ۱۹۶۷: ج ۳، ۱۹۹-۲۰۰)، اما چنان‌که پژوهش‌ها نیز نشان داده است (شبیری ۱۳۶۸: ۱-۱۹) این تاریخ به‌دلایل تقویمی و گاه‌شماری درست نیست و چنین می‌نماید که دوشنبه، دوم ربیع‌الاول، با محاسبات گاه‌شماری و روایی مطابقت دارد و با

روایت یعقوبی، که همواره تاریخ‌های دقیقی ارائه کرده است، هماهنگی دارد (یعقوبی ۱۳۷۱: ج ۲، ۵۰۹-۵۱۰). تاریخ جنگ جمل نیز (Hazelton 2009: 112) نه برپایه تاریخ طبری است (طبری ۱۳۷۵: ج ۶، ۲۴۲۶) و نه با تاریخ یعقوبی هم‌خوانی دارد (یعقوبی ۱۳۷۱: ج ۲، ۸۰).

پیش‌کشیدن نقش زنان قهرمان در جنگ‌ها نزد اعراب جاهلی و اشاره به «ام زمل» قابل تأمل است (Hazelton 2009: 115)، اما موضوع مهمی که گویا پیش چشم نداشته آن است که ام زمل پس از این‌که در جنگ با رسول‌الله (ص) اسیر شد، به جوان‌ترین همسرشان بخشیده شده و تا سال‌ها به او خدمت کرده بود و سپس آزاد شده و به سرزمین خودش بازگشته است (طبری ۱۹۶۸: ج ۳، ۲۶۳؛ طبری ۱۳۷۵: ج ۴، ۱۳۹۴؛ ابن‌اثیر ۱۳۷۱: ج ۸، ۵۰-۴۹). هرچند دیدگاهی در دست است که یک‌سره وجود تاریخی چنین زنی را پنداشته خیال راویانی چون سیف می‌داند و ماهیت گزارش مورخانی چون طبری را از بنیاد دروغین و بافته خیال آن راوی به‌شمار آورده است (عسکری ۱۳۸۷: ج ۲، ۴۱۴).

دیدگاه نویسندگان درباره وضعیت زنان در روزگار پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به‌ویژه این‌که زنان پس از آن به «کارهای سستی‌تر» پیشین مشغول شدند (Hazelton 2009: 198) محل بحث و مناقشه است. در همین جهت، دیدگاه او درباره سرنوشت انقلاب اسلامی ایران و نیز درباره جایگاه امام خمینی (ره) جهت‌دار است و شاید بر اثر فضای رسانه‌ای غربی باشد (ibid.: 198-199).

درباره ماجرای افک (اتهام) به همسر پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) و شیوه و رویکرد حضرت علی (ع) در آن زمینه روایت پذیرفته‌شده بحث‌برانگیز است (ibid.: 18-44)، چراکه بنیان روایت مطرح‌شده با تردید نگریسته شده است (زرگری‌نژاد ۱۳۷۸: ۶۴۶-۶۴۷).

در جایی، نویسندگان به اشتباه و در سهوی آشکار رویکردی اهانت‌آمیز به همسر رسول‌الله (ص) را به شیعیان نسبت می‌دهد (Hazelton 2009: 44)، اما بی‌گمان چنین رویکردی تنها درباره گروه‌های «تندرو و افراطی» درست است. هم‌چنین، جایی در متن، درباره فرقه‌های شیعه، فرقه اسماعیلیه معتقدان به پنج امام معرفی شده است (ibid.: 200) که بی‌گمان سهو است.

درباره مصلوب‌شدن حضرت عیسی (ع) تنها دیدگاه‌های غیراسلامی پیش آورده شده است. یکی از تحلیل‌ها و مقایسه‌ها به همانندی جایگاه امام حسین (ع) با حضرت عیسی (ع) و ایشارگری و سرنوشت ایشان در راه امت و انسانیت است (ibid.: 40, 57, 158, 179).

به هر روی، بر پایه دیدگاه اسلامی (اعم از شیعه و سنی)، مصلوب شدن عیسی (ع) روی نداده و به تعبیر قرآن امر بر پیروان ایشان مشتبه شده است.^{۱۵}

در جایی از متن، هنگام اشاره فتح ایران به دست اعراب مسلمان در سده نخست هجری، واژه‌های «ایرانی» (پرشین / persians)، «افغانی»، «عراقی»، «گرد» از هم جدا شده‌اند (ibid.: 131). به سخن دیگر، هریک از این واژگان و نام‌ها را به عنوان گروه‌های قومی از یک دیگر متمایز کرده است، اما پیداست که در روزگار سده نخست همه آن گروه‌ها زیر چتر مفهوم هویت سیاسی و تاریخی «ایرانی» قرار داشتند. بنابراین، چنین کاربردی از دیدگاه روش تاریخی پرسش برانگیز و نیازمند اصلاح است. گویا دیدگاه نویسنده تحت تأثیر تصویر کنونی چنین مفهوم است، چراکه در جای دیگری هم «حکومت نیرومند صفوی» را با جغرافیای «ایران کنونی» مطابقت داده است (ibid.).

درباره موضوع اختلاف دیدگاه امام حسن (ع) با روش و برنامه سیاسی پدرش، امام علی (ع)، شیوه پشتیبانی ایشان از عثمان بن عفان، بخشش قاتلان وی، و خرده‌گیری درباره ورود به جنگ و خونریزی پرسش برانگیز است (ibid.: 160-161). بی‌گمان، وی در طرح این موضوع از دیدگاه مادلونگ تأثیر پذیرفته است (Madelung 1997: 312-313). مادلونگ نیز این تحلیل را بر اساس گمان خویش پیش کشیده است و اسنادی را عرضه نمی‌دارد و هیزلتن نیز همان را پذیرفته است.^{۱۶}

باتوجه به رویه کتاب، بهتر بود تا در بیان مقدمه پیکار جمل (Hazelton 2009: 101-112)، درباره کسی که به تهیه شتر معروف، یعنی «عسکر» (نام این شتر هم برخلاف انتظار از قلم افتاده است)، پرداخت و ضمن فرستادن اسلحه و پول به برپایی پیکار جمل تشویق کرد سخن گفته می‌شد. این شخص «یعلی بن منیه»، حاکم پیشین یمن در روزگار عثمان و از نزدیکان خاندان او، بود (مسعودی ۱۳۷۴: ج ۱، ۷۱۴).

در زمینه بیان انواع زهرهای به کاررفته در تاریخ صدر اسلام، به‌ویژه از سوی معاویه، اگرچه از نظر به‌کارگیری داده‌ها و تحلیل‌های تاریخی برای فهم روش پیشرفت سیاسی معاویه و به کلی تحول حکمرانی در اسلام شایان توجه و اهمیت است، کاربست آن درباره سگ‌های آب‌گیر حوائب تا اندازه‌ای مبهم و نیازمند توضیح است (Hazelton 2009: 149). دست‌کم چرا برای فهم زهرهایی که با صدا کار می‌کردند باید چنین مثالی در کنار برکه حوائب پیش کشیده شود؟ اندیشه نویسنده هرچه باشد، فهم آن با نوشتار کنونی و پیوند مطالب آسان نیست و بی‌گمان نیازمند توضیح بیش‌تری است.

در کتاب، ماجرای ازدواج حضرت قاسم بن حسن (ع) در صحرای کربلا دانسته شده و روی دادی تاریخی تلقی شده است (ibid.: 185, 189)، درحالی‌که ماهیت و سرشت چنین روی دادی در صحرای کربلا به‌باور کسانی چون استاد مطهری از بافته‌هایی است که گویا سرچشمه آن کاشفی سبزواری بوده و در منابع معتبر تاریخی نیامده است (مطهری ۱۳۸۴: ج ۱۷، ۷۷).

در ماجرای کشته‌شدن عثمان بن عفان و به‌اقتضای گزارش و تحلیل روی داد، دو بار نام «محمد بن ابوبکر»، سردسته شورشیان علیه عثمان بن عفان، «ابوبکر» درج شده (Hazelton 2009: 97) که بی‌گمان سهو است. به‌طور کلی چنین اشتباه‌هایی در متن بسیار اندک است.

باین‌که متن از ادبیات نگارش بسیار استوار و دقیقی برخوردار است و در سراسر متن نوشته‌ای یک‌پارچه و هدف‌مند به‌چشم می‌آید، اما موارد اندکی هم وجود دارند که این پیوستگی را برهم زده‌اند. نمونه‌ای از آن‌ها را در معرفی عمرو عاص می‌توان دید که در دو جای متن، به‌فاصله ده صفحه، به یک شکل و با واژگانی تکراری (بی‌کم‌وکاست) به «کسی که مصر را برای اسلام تصرف کرده است» معرفی شده است (ibid.: 137, 147).

نمایه متن به‌صورت عام طراحی و درج شده است و به‌جهت رویکرد نمایه‌ای شامل و جامع است و بیش‌تر زمینه‌های پراهمیت در متن را در بر می‌گیرد. نویسنده سرواژه‌های مهم متن را برگزیده و موضوع‌های مرتبط با آن را فهرست کرده است. برای نمونه، درباره حضرت فاطمه (س) موضوع‌های مرتبط مانند «ازدواج با حضرت علی (ع)»، «اصحاب عبا» (ع)، و مانند آن درج شده و شماره صفحه درباره آن‌ها آمده است. برپایه این روش، نبود فهرست تفصیلی در فهرست مطالب آغازین کتاب جبران شده است و یافتن مطالب را ساده می‌کند، اما در نمایه مواردی هم از قلم افتاده است که از جمله آن‌ها راه‌نمای واژه‌های نسبت سرزمینی و قومی مانند افغان، گُرد، عراقی، ایرانی، و مانند آن است.

جنبه‌های دیداری کتاب بسیار اندک است و نویسنده تنها به درج نقشه‌ای از خاورمیانه سده نخست، در قسمت پیش از مقدمه، بسنده کرده است، درحالی‌که بهتر بود دست‌کم شماری از دیوارکوب یا پوستره‌های مربوط به ائمه شیعه، که در متن کتاب هم از آن چند بار سخن رفته است، در پیوست کتاب درج شود. این کار، به‌لحاظ نیرومندساختن درک دیداری، موضوع بسیار دارای اهمیتی است.

کتاب به شیوه نگارشی روشن و روان نوشته شده است، اما به هر روی، در جاهایی چیرگی با صنایع ادبی بوده و متن در میان رویه ادبی و علمی به سوی ادبیات سوق پیدا کرده است. برای نمونه، در سخن گفتن از تعیین محل دفن حضرت علی (ع)، که بر اساس سنت و شیوه‌ای کهن و برجای مانده از پیامبر اسلام (ص) با رهاکردن شتر در سرزمینی بدون هدایت کردن آن انجام می‌گرفت، گفته شده است که شتر به آرامی راه می‌پیمود: «گویی که می‌دانست چه بر پشت اوست و بر اثر سوگ و اندوه خم شده بود» (ibid.: 152).

درباره شیوه ارجاع و طراحی یادداشت‌ها نیز ملاحظاتی قابل توجه است. شیوه‌ای که در کتاب در پیش گرفته شده انتقال مطالب یادشده به پایان کتاب است تا دسته‌ای از خوانندگان عام را در حال خواندن متن اصلی از درگیر کردن به این گونه مطالب رها کرده باشد، اما همین رویه برای خواننده علاقه‌مند و متخصص دشواری ایجاد کرده است. دست‌کم بهتر بود که با نشانه‌گذاری عددی مطالب متن به یادداشت پیوند داده می‌شد تا خواننده، به اقتضای موارد، به یادداشت‌ها مراجعه می‌کرد. هم‌چنین، بهتر بود که افزون بر بخش‌بندی‌های کتاب برای زیربخش‌های آن نیز نام‌هایی در نظر گرفته می‌شد. این رویه شمایل کتاب را تخصصی‌تر کرده است و ره‌نمای خوبی برای خوانندگان به‌شمار می‌آید. در رویه حاضر، زیربخش‌ها نیز به صورت پیوسته درج شده است و با پایان‌یافتن یک بخش عدد زیربخش ادامه پیدا می‌کند.

عنوان کتاب رویکرد مسئله‌محور آن را نشان می‌دهد و گویای آن است که نویسنده در آن به دنبال چه چیزی است، اما درباره آن چند ملاحظه مترتب است. نخست آن‌که اگرچه تعبیر «ازهم‌گسستگی شیعه و سنی در اسلام» در تاریخ و فرهنگ غرب مسیحی قابل فهم و درک است، در جهان اسلام و برای شیعه و سنی گویا نیست و حتی غلط‌انداز است. در غرب مسیحی این «ازهم‌گسستگی» میان کلیسای شرق و غرب ارتدکس و کاتولیک قابل فهم است. به سخن دیگر، نخست این تمایزها میان هر دو کلیسا وجود داشت و باهم در پیوند بودند، اما بعدها از هم جدا و گسسته شدند و در آن‌جا چنین تعبیری مفهوم است، اما درباره تاریخ اسلام و میان شیعه و سنی وضعیت به صورت دیگری است و پیچیدگی‌هایی دارد، اما به هر روی در آغاز آن تمایزها وجود نداشت که بخواهد پس از روزگاری به جدایی یا ازهم‌گسستگی منجر شود. به سخن دیگر، بهتر است به جای آن از مفهوم پیدایی شیعه و سنی در جهان اسلام سخن به میان آورد.

دیگر این‌که عنوان اصلی کتاب، با این‌که دلالت بر آن دارد که به روزگار پس از پیامبر اسلام (ص) اختصاص خواهد داشت، اما دست‌کم یک بخش از سه بخش کتاب که شماره صفحه‌های آن از بخش سوم نیز افزون‌تر است به‌نام پیامبر اسلام (ص) نام‌گذاری شده و محتوای تاریخی آن‌هم به روزگار پیامبر اسلام (ص) و در بخش‌های اندکی به پیش از آن تعلق دارد. دیگر این‌که تعبیر «داستان اندوه‌بار» نیز نوعی هم‌دلی و هم‌سویی با شیعیان و اهل سنت و دردمندی از گسستگی آن‌ها از یک‌دیگر را نشان می‌دهد، درحالی‌که در متون و پژوهش‌های علمی همواره تلاش می‌شود تا عنوان‌های بی‌طرفانه‌ای برگزیده شود.

به‌هرروی، با وجود ملاحظه‌های اخیر درباره‌ی عنوان اصلی و فرعی، روی هم‌رفته عنوان کتاب در پیوند با دغدغه‌هایی که نویسنده در متن به‌دنبال آن رفته است متناسب و سازوار می‌نماید و دست‌کم توقعی که برای خواننده با دیدن آن پیدا می‌شود در محتوای کتاب فراهم می‌آید.

۴. نتیجه‌گیری

برپایه یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان گفت کتاب *پس از پیامبر* به‌لحاظ رویکرد نویسنده، شیوه طرح، و پیش‌برد مسئله خویش کتابی نوین با دستاوردها و تحلیل‌های متفاوت با آثار مشابه در این زمینه است. با این‌که موضوع اصلی این کتاب تاریخ اسلام است و مؤلف در پی یافتن ریشه‌های ازهم‌گسستگی میان مسلمانان در آن برهه حساس تاریخی، به‌ویژه میان شیعه و سنی، است، اما گام‌هایی که نویسنده برداشته فراتر از بررسی و تحلیل محدود به روی داده‌های تاریخ صدر اسلام رفته است. نویسنده، با دغدغه وضعیت کنونی جامعه مسلمانان خاورمیانه، به‌ویژه شیعه و سنی، به مطالعه تاریخ اسلام در سده نخست و بررسی ریشه‌های ازهم‌گسستگی در جامعه اسلامی پرداخته است.

در این نوع پژوهش، نویسنده بیش از هرچیز به اصلاح خردمندانۀ مشکلات جامعه کنونی می‌پردازد. انجام چنین کاری از یک‌سو مستلزم پژوهش در منابع، متون، و پژوهش‌های تاریخی صدر اسلام است و از سوی دیگر، زمینه‌های متنوع و گوناگونی دارد که دربرگیرنده روان‌شناسی اجتماعی، نقد گفتمان‌های دینی، قرآن‌پژوهی، حدیث‌شناسی، تحلیل تصویر، داروشناسی، دانش ارتباطات، و مانند آن است و این کتاب را از آثار پیش از خود متمایز ساخته است.

مهم‌ترین دستاورد این اثر تلاش برای شناخت ریشه‌های تاریخی تندروی و افراطی‌گری در تاریخ اسلام و عواملی است که در سده گذشته بر اثر دخالت غربی‌ها بر پیچیدگی آن‌ها افزوده شده است. از این رو، نویسنده در جهت هم‌دلی با جوامع مسلمان شیعی و سنی، به ویژه ایرانی و عراقی، به بررسی تاریخ آن‌ها پرداخته و نشان داده است دو جریان بهره‌جو بر شیوه تندروی در تاریخ اسلام افزوده‌اند که یکی از آن دو حاکمان بهره‌جوی اموی در تاریخ صدر اسلام بودند و در سده اخیر عامل غرب به صحنه آمده و در پی منافع خویش در این سرزمین‌ها از جریان‌های افراطی پشتیبانی کرده است.

به هر روی، باتوجه به گستردگی موضوع‌های مطرح شده در متن و باوجود تکاپوی نویسنده در شیوه و روش گزارش نویسی، هم‌چنان ابهام و اشکال‌هایی در متن کتاب حاضر به چشم می‌آید.

پی‌نوشت‌ها

۱. این اثر در ایران ترجمه و چاپ شده است (مادلونگ ۱۳۷۷).
۲. در میان آثار پرشماری که به صورت متمرکز به نقد دیدگاه‌ها مادلونگ پرداخته است، دست‌کم می‌توان به چند مقاله اشاره کرد (عبدالمحمدی و دیگران ۱۳۹۵: ۶۷-۹۵؛ بارانی و میرزایی مهرآبادی ۱۳۹۶: ۳۲-۳۷؛ یآوری و علوی ۱۳۹۷: ۱۲۵-۱۴۳).
۳. بیش‌تر کتاب‌های هیژلتن در رقابت‌های فرهنگی در آمریکا مورد توجه قرار گرفته یا برنده جایزه‌هایی چون جایزه کتاب سال، جایزه قلم، و مانند آن شده‌اند. درباره برخی از این موارد، بنگرید به تارنمای کتاب *پس از پیامبر*:

<<http://www.aftertheprophet.com/abouttheauthor.html>>.

۴. وی در رشته روان‌شناسی در دانشگاه عبری اورشلیم تحصیل کرده است.

5. *The Succession to Muhammad: A Study of the Early Caliphate* (1997), Cambridge: Cambridge University Press.

۶. از آقای حسن فاطمی که سخاوتمندانه نسخه‌ای از کتاب را در اختیار نگارنده مقاله حاضر قرار دادند، سپاس‌گزاری می‌شود.

۷. نویسنده، ضمن تحلیل شیوه بهره‌گیری معاویه از زهر به‌عنوان یک ابزار سیاسی کارآمد، درباره انواع زهرهای ساخته شده در سده نخست و نقش مسیحیان در دربار معاویه و توسعه

- این دانش و فن در دربار اموی اطلاعات ارزش مندی پیش چشم خواننده می‌گذارد (Hazlton 2009: 149-150).
۸. درباره سینمای آکیرا کوروسوا به‌تازگی کتابی موشکافانه و متقدانه به فارسی ترجمه شده است (ریچی ۱۳۹۷).
۹. سخن‌رانی واگذاری (speech concession) اصطلاحی در نظام‌های انتخابی و دموکراسی است و به سخن‌رانی نام‌زدی گفته می‌شود که در انتخابات رقیب خود شکست خورده است و پس از اعلام نتیجه رأی‌گیری با این سخن‌رانی کارزار را به‌اصطلاح به‌شکلی آبرومندانه به رقیب واگذار می‌کند. این تعبیر در ایران و زبان فارسی معمول و متداول نیست.
۱۰. هرچند این روش وی مخالفانی هم در میان جامعه دانشگاهی در ایران دارد، تا آن‌جا که یکی از دانشگاهیان آشکارا پیش‌نهاد می‌کند که دانشجویی به‌دنبال چنین شیوه تاریخ‌نویسی نرود. در زمینه دیدگاه و روش او، بنگرید به مقاله منصفانه‌ای که عبدالرسول خیراندیش در این زمینه نگاشته است (خیراندیش ۱۳۸۲: ۳۷-۴۳).
۱۱. وی، به همین منظور، نخستین عبارت‌های کتاب در پیش‌گفتار را به توصیف روان‌شناختی پدیده انفجار در مکان مقدس شیعیان در عراق اختصاص داده و شیوه روزنامه‌نگارانه‌ای را برای بیان این توصیف برگزیده است.
۱۲. به‌هرروی، از این کتاب دست‌کم دو ترجمه صورت گرفته است: یکی از علی شریعتی به‌نام *دوزخیان روی زمین* (فانون ۱۳۳۶) و دیگری هم به‌نام *معضوبین روی زمین* (فانون ۱۳۶۱) است. به‌هرروی، در آن برهه تاریخی سخنی هم درباره اصالت این ترجمه گفته شده که تنها مقدمه ژان پل سارتر از علی شریعتی است.
۱۳. زندگی و آثار پرشمار ملا حسین واعظ کاشفی سبزواری در مقدمه تازه‌ترین تصحیح روضه الشهداء در بررسی شده است (کاشفی ۱۳۹۰).
۱۴. در ترجمه فارسی به‌اشتباه «ام رمل» آمده است.
۱۵. درباره مصلوب‌شدن حضرت مسیح در سوره نساء آیه ۱۵۷ چنین آمده است: «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا». در این زمینه، علامه طباطبایی نیز تفسیر ارزنده‌ای آورده است (طباطبایی ۱۳۷۴: ج ۵، ۲۱۶-۲۱۷).
۱۶. درباره دیدگاه‌های دیگری که از سوی مادلونگ درباره اختلاف میان امام حسن (ع) و پدرشان مطرح شده مقاله مفصلی به‌چاپ رسیده است که پیش‌ازاین به آن اشاره شد (بارانی و میرزایی مهرآبادی ۱۳۹۶: ۱۳-۲۲).

کتابنامه

- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۹۶۵)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر.
- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۳۸۰)، *امامت و سیاست؛ تاریخ خلفاء*، ترجمه ناصر طباطبایی، تهران: ققنوس.
- بارانی، محمدرضا و زینب میرزایی مهرآبادی (۱۳۹۶)، «دیدگاه مادلونگ درباره اختلاف امام حسن علیه السلام و امام علی علیه السلام»، *تاریخ اسلام*، ش ۶۹.
- خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۸۲)، «نقد و نظر درباره تاریخ نگاری دکتر باستانی پاریزی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۷۵ و ۷۶.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۷۱)، *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نی.
- رسولی محلاتی، هاشم (۱۳۶۹)، *زندگانی امام حسن مجتبی*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- ریچی، دانلد (۱۳۹۷)، *فیلم‌های آکیرا کوروسوا*، ترجمه مجید اسلامی و حمیدرضا منتظری، تهران: نی.
- زرگری نژاد، غلام حسین (۱۳۷۸)، *تاریخ صدر اسلام؛ عصر نبوت*، تهران: سمت.
- شبییری، محمدجواد (۱۳۶۸)، «تحقیقی در روز وفات پیامبر (ص)»، *تحقیقات اسلامی*، ش ۱.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبری، محمدبن جریر (۱۹۶۷)، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۵)، *تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- عبدالمحمدی، حسین، اسدالله رحیمی، و مرتضی علوی (۱۳۹۵)، «نقدی بر دیدگاه مادلونگ درباره بیعت با امام علی علیه السلام و ریشه جنگ‌های جمل، صفین، و نهروان در کتاب جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله»، *پژوهش نامه کلام*، ش ۵.
- عسکری، مرتضی (۱۳۸۷)، *عبدالله بن سبا و دیگر افسانه‌های تاریخی*، ترجمه احمد فهری زنجانی و عطاءمحمد سردارنیا، قم: دانشکده اصول دین.
- فاطمی، حسن و محمد میرشمسی (۱۳۹۸)، *روایت یک جانشینی؛ ترجمه و نقد بخش محمد (ص)*، *کتاب بعد از پیامبر هازلتون*، مشهد: نی نگار.
- فانون، فرانسیس (۱۳۳۶)، *دوزخیان روی زمین*، با مقدمه ژان پل سارتر، ترجمه علی شریعتی، تهران: مجیدی.
- فانون، فرانسیس (۱۳۶۱)، *مغضوبین روی زمین*، ترجمه ف. باقری، تهران: مولی.

کاشفی، حسین بن علی (۱۳۹۰)، *روضه الشهداء*، تصحیح حسن ذوالفقاری، علی تسنیمی، و صبا واصفی، تهران: معین.

مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۷)، *جانشینی حضرت محمد (ص)*، ترجمه احمد نمایی، محمدجواد مهدوی و حیدررضا ضابط، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

مسعودی، ابوالحسن علی (۱۳۷۴)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، *مجموعه آثار: حماسه حسینی*، تهران: صدرا.

مقدسی، مطهرین طاهر (۱۳۵۱)، *آفرینش و تاریخ*، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

یاوری سرسختی، محمدجواد، و مرتضی علوی (۱۳۹۷)، «بررسی انتقادی دیدگاه مادلونگ درباره عملکرد مدیریتی - سیاسی امیرمؤمنان، علی علیه السلام، در کتاب جانشینی محمد صلی الله علیه و آله و سلم»، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*.

یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب (۱۳۷۱)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

- Hazleton, Lesley (1980), *Where Mountains Roar: In Search of the Sinai Desert*, New York: Holt, Rinehart & Winston.
- Hazleton, Lesley (1984), *The Right to Feel Bad: Coming to Terms With Normal Depression*, New York: Doubleday.
- Hazleton, Lesley (1987), *Jerusalem, Jerusalem: A Memoir or War and Peace, Passion and Politics*, New York: Penguin Books.
- Hazleton, Lesley (1990), *England, Bloody England: An Expatriate's Return*, New York: Atlantic Monthly Pr.
- Hazleton, Lesley (1995), *Everything Women Always Wanted to Know about Cars; But Didn't Know Who to Ask*, New York: Main Street Books.
- Hazleton, Lesley (1998), *Driving to Detroit: An Automotive Odyssey*, New York: Free Press.
- Hazleton, Lesley (2004), *Mary: A Flesh-and-Blood Biography of the Virgin Mother*, New York: Bloomsbury USA.
- Hazleton, Lesley (2007), *Jezebel: The Untold Story of the Bible's Harlot Queen*, New York: Image.
- Hazleton, Lesley (2009), *After the Prophet: The Epic Story of the Shia-Sunni Split in Islam*, New York and Toronto: Doubleday.
- Kéchichian, Joseph A. (2010), "Reviewed Work: *After the Prophet: The Epic Story of the Shia-Sunni Split in Islam* by Lesley Hazleton", *Middle East Journal*, vol. 64, no. 2.